

بررسی و تحلیل کتیبه‌های خوش‌نویسی فرش‌های موجود در موزه ویکتوریا آلبرت و متروپولیتن

فاطمه حسینی صفت^۱، آرزو پایدارفرد^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی (مطالعات تاریخی)، دانشگاه بیرجند

۲- استادیار دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول)

چکیده

فرش‌های ایرانی، دارای طرح و نقش و تزیینات مختلفی، از جمله خوش‌نویسی هستند. خوش‌نویسی در فرش در کنار سایر عناصر، مضامین و مفاهیمی دارد که اغلب شامل آیات و احادیث، اشعار و یا نام و نشانی بافنده و طراح فرش است. تا کنون پژوهش‌هایی در خصوص کتیبه‌های فرش‌های ایرانی انجام گرفته؛ اما مسئله این پژوهش پاسخ به این سوال است که از چه مفاهیم و مضامینی در کتیبه‌های خوش‌نویسی فرش‌های موزه متروپولیتن و ویکتوریا آلبرت استفاده شده است؟ و کتیبه‌های خوش‌نویسی فرش‌های مورد مطالعه، چه اشکالی داشته‌اند و کتیبه‌ها در چه بخش‌هایی از فرش بافته شده و کاربرد داشته‌اند؟ هدف مقاله، بررسی و تحلیل مضامین کتیبه‌های خوش‌نویسی فرش‌های دو موزه مذکور از منظر تاریخی، ادبی و دینی است. روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و جمع‌آوری تصاویر از سایت دو موزه بوده است. نتایج مشخص می‌کند در فرش‌های بررسی‌شده، سه نوع مضمون تاریخ‌نگاری (نام بافنده یا سفارش‌دهنده)، ادبی (قالب غزل، قصیده و رباعی) و دینی (آیاتی از قرآن) و بیشتر با خوش‌نویسی نستعلیق در کتیبه‌ها مشهود است. کتیبه‌های خوش‌نویسی تاریخ‌نگار به درج تاریخ بافت و نام بافنده و گاه عمل او اشاره دارد. کتیبه‌های دینی، در وصف خداوند و توحید است و کتیبه‌های ادبی به وصف بهار، یار و غنیمت‌شمردن فرصت پرداخته است. تنوع شکل کتیبه‌های خوش‌نویسی نیز شامل مستطیل، بازوبندی، قلمدانی، مربع و ترنجک است که به ترتیب بیشترین کاربرد کتیبه‌ها در فرش‌های بررسی‌شده دو موزه، مربوط به ۱. حاشیه اصلی یا پهن، ۲. متن فرش، ۳. حاشیه باریک (طره) و ۴. در مرکز فرش و یا محل قرارگیری، ترکیبی از هر ۴ مورد است.

واژگان کلیدی: فرش، کتیبه خوش‌نویسی، اشعار، آیات، موزه ویکتوریا آلبرت، موزه متروپولیتن.



Analysis of Calligraphy Epigraphs on Carpets Kept in the Victoria and Albert Museum and the Metropolitan Museum of Art

Fatemeh Hosseini Sefat¹, Arezoo Paydarfard²

1. Master student of Islamic Art, University of Birjand

2. Assistant Professor of Islamic Art, University of Birjand (Corresponding Author)

Abstract

Persian carpets have entailed assorted designs, patterns and ornaments of which this paper focused on calligraphy. The use of calligraphy in carpets along with other elements entails some themes and concepts. These themes include some ayahs, hadiths, and poems as well as the weaver or the designer's signature. This study answered the question that what concepts and themes have been used in the carpet epigraphs preserved in the Victoria and Albert Museum (London) and the Metropolitan Museum of Art (New York). The aim of this study was the historical, literary and religious investigation and analysis the epigraphs on carpets kept at the mentioned museums. This qualitative study was conducted using a descriptive-analytic design. Data were collected using librarian method and collecting pictures from two Museums of Art websites. Results suggested that in the carpets investigated in this study, three themes, namely historical (name of the weaver or order submitter), literary (in the form of sonnets, odes or quatrains) and religious (ayahs from the Quran or the Bible) were found in the epigraphs in Thuluth, Naskh, Nastaliq, Towqi and Hebrew calligraphies. While the historical epigraphs indicate the date of weaving, the weaver and his/her performance in a sentence, religious epigraphs describe the creator and the literary epigraphs describe the springtime, the lover, and seizing the opportunity of a lifetime. These epigraphs were designed in the form of rectangle, Bazoobandi and Ghalamdani which are mainly found on the main border, the field, the guard border, and the medallion or a combination of them respectively.

Keywords: Carpet, calligraphy epigraphs, Victoria and Albert Museum, Metropolitan Museum of Art. .

1. Email: fatemhossini2098@birjand.ac.ir
2. Email: a.paydarfard@birjand.ac.ir



مقدمه

فرش ایرانی جلوه‌ای از فرهنگ و تمدن ایران و گونه‌ای ناب از هنر اسلامی است. علاوه بر زیبایی طرح، نقش و بافت فرش، پیام‌های این دست‌بافته ارزشمند همواره قابل تأمل بوده است. ایران‌زمین در گذر تاریخی خویش، گسترش و تنوع هنرهای ایرانی اسلامی را ثبت کرده است و فرش نمونه‌ای از این هنرهاست.

با ورود اسلام و ایجاد محدودیت‌هایی در کاربرد نقوش انسانی و حیوانی در آثار هنری، هنرمندان سعی کردند، ابداعاتی دیگر در فرش را در مجاورت سایر نقوش به نمایش بگذارند؛ از جمله این ابداعات به‌کاربردن کتیبه و خط و خوش‌نویسی در فرش بود. کتیبه‌ها، سطوحی محصورشده در زمینه یا حاشیه فرش هستند که معمولاً حاوی نوشته هستند؛ اگرچه اجزای دیگر طرح نیز ممکن است به همین صورت محصور شده باشند (استون، ۱۳۹۱: ۲۸۱؛ حمیدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۵). در اهمیت خوش‌نویسی باید ذکر کرد که این هنر را می‌توان مهم‌ترین تجلی روح اسلامی در میان تمامی هنرها به‌شمار آورد و جزو اصیل‌ترین هنرها دانست. در قرآن^۱ نیز بارها بر اهمیت نوشتن و خوش‌نویسی تأکید شده است (شیمل، ۱۳۸۱: ۱۱).

به‌کاربردن نوشتار در فرش معمولاً بیان‌کننده مفاهیم و حامل پیامی بوده است؛ از جمله مضامین به‌کاررفته در فرش‌ها، احادیث، آیات قرآن، روایات، اشعار، وقف‌نامه و نام بافنده و طراح فرش است. در نمونه‌های قدیمی‌تر فرش‌های دارای کتیبه خوش‌نویسی، معمولاً فقط نام بافنده و تاریخ بافت ذکر می‌شده؛ اما با گذشت زمان و پیشرفت در زمینه طرح و نقش‌های جدید در نیمه قرن دهم و یازدهم هجری، اشعار و آیات نیز در کنار سایر نقوش و تزئینات فرش کاربرد یافت. یکی از مهم‌ترین و درخشان‌ترین دوره در زمینه طراحی و بافت فرش، دوره صفویه است که ۵ فرش از فرش‌های مد نظر در این پژوهش که هم‌اکنون در موزه‌های بزرگ جهان وجود دارد، مربوط به این دوره است. ۴ فرش متعلق به دوره قاجاریه و یک فرش، معاصر است. برای پیشبرد تحقیق حاضر ابتدا به اهمیت و کاربرد خوش‌نویسی در هنر و به خصوص فرش‌بافی پرداخته

می‌شود. در ادامه نیز به طور کلی به طبقه‌بندی مضامین به‌کاررفته در خوش‌نویسی کتیبه‌های فرش‌های منتخب پرداخته شده است. سعی شد تمامی نمونه فرش‌های دارای کتیبه خوش‌نویسی از دو موزه متروپولیتن و ویکتوریا آلبرت استخراج شود. پس از بررسی مضامین فرش‌های کتیبه‌ای و معرفی دو موزه مد نظر، بررسی و تحلیل تخصصی کتیبه‌های خوش‌نویسی فرش‌های دو موزه از منظر مضامین و مفاهیم و شکل کتیبه‌ها و محل قرارگیری آن‌ها در فرش با طراحی و تنظیم جداول تحلیلی از نتایج، انجام شد.

روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی تحلیلی از نوع کیفی و هدف پژوهش از نوع توسعه‌ای و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و جمع‌آوری تصاویر از سایت دو موزه متروپولیتن و ویکتوریا آلبرت است.

پیشینه تحقیق

در منابع مختلف در مورد فرش‌های دارای کتیبه خوش‌نویسی و فرش‌های موزه‌ای، اطلاعات خوبی موجود است. حسن آذرباد و فضل‌الله حشمتی رضوی (۱۳۷۲) در کتاب فرشته‌نامه ایران، به انواع فرش‌های ایران در موزه‌های جهان اشاره داشته‌اند. شیرین صوراسرافیل در کتاب فرش ایران: سیری در مراحل تکمیلی فرش؛ طراحی، رنگ‌رزی، رفو (۱۳۶۷) در قسمت‌هایی از کتاب به صورت مختصر در خصوص تعدادی از فرش‌های مدنظر به ذکر مطالبی پرداخته‌اند. انیس تنهایی و رضوان خزایی (۱۳۸۸) در مقاله «انعکاس مفاهیم نماز در قالیچه‌های محرابی صفویه و قاجاریه» اشاراتی در خصوص قالی‌های محرابی داشته‌اند. محمد افروغ و رضا صفری (۱۳۹۱) در مقاله «مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی (قالی‌بافی و نگارگری)» در مورد دو قالی مد نظر مربوط به دوره صفوی مطالبی نگاشته‌اند. عبدالله میرزایی و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان «تجلی اسماء‌الحسنی در قالیچه‌های محرابی عصر صفوی»، در قسمت‌هایی به فرش محرابی مورد بررسی در پژوهش حاضر پرداخته‌اند. مقاله «فرش صفوی از منظر نوآوری در طرح و نقش»، نوشته محمدعلی اسپنانی (۱۳۸۷) به بررسی دو نمونه از فرش‌های مد نظر پرداخته

است. کریم میرزایی (۱۳۸۸) در مقاله «کتیبه قالی‌ها به مثابه یک متن»، مهناز شایسته‌فر (۱۳۸۴) در مقاله «کاربرد مفاهیم مذهبی در خط‌نگاره‌های قالی صفوی» و فرهاد خسروی بیژانم (۱۳۹۸) در مقاله «مطالعه مضامین کتیبه‌های نستعلیق در قالی‌های دوره صفوی ایران» در خصوص کتیبه‌های خوش‌نویسی برخی قالی‌ها به‌ویژه در دوره صفویه، از ابعاد مختلف به بررسی پرداخته‌اند. عادل شعبانی‌مقدم و زهت احمدی (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «سفیر هنر ایران در موزه‌های جهان (فرش تبریز عصر صفوی)»، در خصوص دو نمونه از فرش‌های منتخب در این مقاله توضیحاتی بیان کرده است. در مقاله احسان حمیدی و دیگران (۱۳۹۸) با عنوان «نقد زیباشناختی کتیبه‌های قالی ایرانی با تکیه بر اصول خوش‌نویسی»، در مورد کتیبه‌نگاری مزین به خوش‌نویسی در قالی‌های ایرانی صحبت شده است. شبنم محمدی و علی‌وند شعاری (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی و کارکرد نقش و نوشتار در قالی‌های جانمایی (سجاده‌ای): مطالعه موردی کتیبه‌های شش قالی سجاده‌ای» به یکی از قالی‌های مد نظر در این مقاله اشاراتی کوتاه داشته‌اند. همچنین محمدمامین حاجی‌زاده و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «مطالعه تطبیقی طرح و نقش در فرش‌های محرابی دوره صفوی و قاجار»، درباره کتیبه‌های قالی‌های محرابی نکاتی را مطرح کرده‌اند. حسام کشاورز (۱۳۹۲) در مقاله «مطالعه ادبیات منظوم در فرش‌های کتیبه‌دار دوره صفوی»، مهناز شایسته‌فر و مریم خان‌علیپور (۱۳۸۱) در مقاله «بررسی اجمالی خوش‌نویسی بر روی قالی» و زهرا شریعت (۱۳۸۷) در مقاله «خط‌نگاره‌های قرآنی در قالی‌بافی و فلزکاری دوره صفوی» به بحث در خصوص انواع و ویژگی‌های کتیبه‌های قالی در دوره صفوی پرداخته‌اند. وحیده حسامی و محمدمامین حاجی‌زاده (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی انواع حاشیه در قالی‌های دوره صفوی» در مورد کتیبه‌هایی که در حاشیه قالی‌ها به کار می‌رود، به تحلیل پرداخته‌اند. همچنین محمد افروغ و بهاره براتی (۱۳۹۲) در مقاله «عناصر و نمادهای هویت اسلامی در قالی ایرانی» و بهنوش یاری‌زاده (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی ارتباط ساختار و مضمون کتیبه‌ها با طرح و نقش و کاربرد قالی‌های دوره صفوی

و قاجار» به بحث کتیبه‌نگاری در قالی‌بافی پرداخته‌اند.

اهمیت و کاربرد خوش‌نویسی و کتیبه‌های نوشتاری در فرش

خوش‌نویسی، نمونه ارزشمندی از تجلی روح اسلامی به شمار می‌رود. در قرآن نیز به اهمیت خط، خواندن و نوشتن تأکید شده است؛ قرآن در ابتدا نیز با کلمات آسمانی در خصوص خواندن و نوشتن آغاز شده است. پس خط و خوش‌نویسی را می‌توان هنر گوهرین اسلامی خواند. به این صورت در اسلام خط و خوش‌نویسی دارای تقدس بوده است و در نتیجه خوش‌نویسی قرآنی، یک هنر الهی محسوب می‌شود.

خط و خوش‌نویسی به مرور زمان، متنوع‌تر شده و زیبایی و خوانایی آن افزون گشته است. جهت آموزش و زیباسازی خط از کاربردهایی همچون کتابت متون، استفاده در تزئین معماری بناها، دست‌بافته‌ها و سایر هنرهای دستی استفاده می‌شود (شریعت، ۱۳۸۷: ۴۶؛ خسروی بیژانم، ۱۳۹۸: ۱۱۸). فرش علاوه بر این که به عنوان یک زیرانداز و پوشش استفاده می‌شود و یک نیاز زیستی است، پاسخگوی بخشی از نیازهای روانی و زمینه‌های زیباشناختی است و به دلیل حضور در دوره‌های مختلف زندگی، در مکان‌هایی که مخصوص عبادت بوده است و یا سایر محافل اجتماعی، می‌تواند در جایگاه نمادینی قرار گیرد و بنابراین می‌تواند از طریق نقش و طرح‌های به‌کاررفته در آن، از جمله خط و خوش‌نویسی، سهمی در انتقال فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی داشته باشد (حشمتی رضوی، ۱۳۸۰: ۹؛ شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۲۶).

عنصر کتیبه و خوش‌نویسی در فرش ایرانی پیام‌آور نقش است. در گذر زمان هنرمند قالی‌باف، آرزوها و تخیلات و اعتقاداتش را به صورت نقوشی زیبا در فرش‌ها به کار برده و برای بهتر بیان کردن منظور خود، گاهی از خوش‌نویسی در قالب کتیبه استفاده کرده است. از دوره‌های مختلف، از جمله دوره صفویه و قاجاریه که بخش بزرگی از تاریخ فرش‌بافی ایران است، آثاری بر جا مانده که در آن از خوش‌نویسی استفاده شده است (صباغ‌پور آرانی، ۱۳۹۰: ۱۰۲؛ شایسته‌فر و خان‌علیپور، ۱۳۸۱: ۷۲).

حضور مذهب تشیع در دوره صفوی که اوج شکوفایی فرش‌های ایرانی است به شکل نوشتاری در فرش‌های این دوره تجلی کرده است؛ فرش‌هایی که بیشتر به صورت محرابی و جانمایی است و یا برای آویختن در مکان‌های مذهبی بافته شده‌اند و معمولاً آیاتی در خود جای داده‌اند و یا نوشتاری با مضامین عرفانی و مذهبی این آثار را زیباتر کرده است (شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۲۶). همچنین استفاده از اشعار در فرش‌بافی برای غنابخشیدن به طرح و نقش فرش بود که در کنار نام بافنده به کار می‌آمد و این راهی برای به‌وجود آمدن انگیزه کتیبه‌بافی بوده است. مفاهیم برخی از فرش‌ها بیان‌کننده بافت فرش توسط استادکاران ماهر بوده و نشان از ارتباط فرش با قشر اشرافی جامعه داشته است. در این فرش‌ها اشعاری به کار رفته که دارای مضمونی در خصوص مدح و ستایش است و نشان از درباری بودن این بافته‌ها و حمایت حاکمان از هنر فرش‌بافی دارد (کشاوری، ۱۳۹۲: ۸۲ و ۹۰).

زیلوی یزد از جمله دست‌بافته‌هایی است که در تزیین آن از کتیبه نیز استفاده می‌شود. یکی از ویژگی‌های درخور توجه زیلو، وجود کتیبه در آن است. این کتیبه‌ها همانند سایر کتیبه‌های موجود در انواع دست‌بافته‌ها، بیان‌کننده گونه‌ای از رفتار اجتماعی و فرهنگی ایرانیان و به خصوص مردم یزد است. اعتقاد به مواردی چون امور خیر و کارهای عام‌المنفعه، توجه به مسائل دینی، ثبت اسناد، علاقه به ماندگار شدن لقب‌ها، نام‌ها و در معرض دید عموم قراردادن و همچنین مواردی نظیر اجرای اثر، نام سفارش‌دهنده، نام بافنده و نام مکان بافت زیلو در کتیبه این دست‌بافته‌ها آمده است و کمک بسیار خوبی به شناخت بهتر فرهنگ مردم این منطقه به واسطه این دست‌بافته می‌کند (شایسته‌فر و شکرپور، ۱۳۸۸: ۲۷).

طبقه‌بندی مضمونی کتیبه‌های خوش‌نویسی در فرش

در خوش‌نویسی به‌کاررفته در فرش‌ها، موضوعات و مفاهیم مختلفی مورد توجه هنرمندان بوده؛ موضوعاتی که با عقاید و فرهنگ و آداب و رسوم و علایق بافنده و استفاده‌کننده نیز ارتباط داشته است (شایسته‌فر و خان‌علیپور، ۱۳۸۱: ۷۶). به طور کلی کتیبه‌های به‌کاررفته در فرش‌ها از دو بُعد مضمون

و مفاهیم (نوشتاری) و شکل ظاهری، قابل بررسی هستند. مضامین کتیبه‌های خوش‌نویسی فرش بر اساس تاریخ بافت و اطلاعات مربوط به فرش و کاربرد آیات، روایات و اشعار، در سه گروه تاریخ‌نگاری، دینی و ادبی قابل طبقه‌بندی است.

کتیبه‌های خوش‌نویسی با مضامین تاریخ‌نگاری

در این نوع مضامین، مواردی نظیر تاریخ و اسامی اشخاص و امضا یا رقم بافنده نیز دیده می‌شود. فرش یا قالی اردبیل از مشهورترین قالی‌هایی است که دارای تاریخ و امضاست (خسروی بیژان، ۱۳۹۸: ۱۲۶). اسامی خاص می‌تواند گاه تداعی‌کننده مضامین دینی باشد؛ اما در بیشتر موارد نام بافنده یا سفارش‌دهنده مد نظر بوده است. امضا یا رقم بافنده یا سفارش‌دهنده نیز با جملاتی چون «عمل استاد قنبرعلی کرمانی استاد ولد آقائی قالی‌باف» که در فرش شماره ۹ مشهود است، مشخص می‌شود.

کتیبه‌های خوش‌نویسی با مضامین دینی

کتیبه‌هایی که آیات کتاب مقدس و روایات مربوط به ادیان را در خود جای داده است. این نوع کتیبه‌ها و نوشتار معمولاً در فرش‌های محرابی و یا جانمایی کاربرد داشت.

در فرش‌های محرابی کتیبه و نوشتار معمولاً در نصفه بالایی قرار داشتند؛ چراکه این فرش‌ها آویخته می‌شدند و به نوعی اعتبار محراب مساجد را می‌یافتند. خطوط به‌کاررفته در این فرش‌ها معمولاً نسخ و ثلث بوده و شهادتین برای پرکردن قسمت‌های مختلف استفاده می‌شده است. در بعضی از فرش‌های محرابی، از آیات قرآنی بهره برده‌اند و بدون توجه به سایر تزیینات، آیات را به صورت کامل نوشته‌اند. در بعضی موارد در قسمت محراب فرش پر است از اسماء‌الله که در بعضی فرش‌ها در خلاف جهت محراب و وارونه در داخل فضاهای خاص قرار گرفته‌اند. اسم‌هایی چون الوهاب، الباسط، الرافع، البصیر، القهار، المصور، الغفار و سایر اسماء الهی را نیز می‌توان پیدا کرد (میرزایی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). در واقع کتیبه‌های خوش‌نویسی دینی فرش‌های سجاده‌ای در سازگاری کامل با نماز که خود ذکر و یاد پروردگار است قرار گرفته است و به توحید و یاد پروردگار



اشاره دارد. وجود کتیبه‌های خوش‌نویسی با مضمون دینی و استفاده از آیات و اسماء‌الله، به فرش حالتی روحانی می‌دهد و باعث می‌شود فرد با ایستادن روی فرش به هنگام نماز، خود را حاضر در پیشگاه خداوند متعال ببیند. کتیبه‌های با مضمون دین در فرش صرفاً مربوط به دین اسلام نمی‌شود و ادیان دیگر را نیز دربرمی‌گیرد؛ همچون نمونه فرش شماره ۱۰ که کتیبه خوش‌نویسی به خط عبری است.

کتیبه‌های خوش‌نویسی با مضامین ادبی

یکی از موارد انگیزه‌بخش در غنای فرهنگی فرش ایرانی، استفاده از کتیبه‌های ادبی در فرش است که در کنار سایر نقوش فرش و با هماهنگی با آن، مفاهیم زیبا و شورانگیزی را تداعی می‌کند.

به‌کاربردن ادبیات در ساختار آثار هنری، برای اهداف گوناگون است و مفهوم و مضمون به واسطه قالب ادبی و به کمک تصویر، در انتقال پیام به مخاطب کمک می‌کند. به‌کاربردن ادبیات منظوم و منثور در آثار هنری به دوره صفوی برمی‌گردد. در تعدادی از فرش‌های مربوط به این دوره در کنار نقوش تزیینی گیاهی که نمایش‌دهنده بهار و بهشت زمینی است، از اشعار شاعران بلندآوازه نیز استفاده می‌شد که این امر بر مخاطب تأثیر بیشتری می‌گذارد (احمدی پیام، ۱۳۹۴: ۲۸۳). در فرش‌های ایرانی معمولاً از قالب قصیده، غزل و رباعی بیشتر از سایر قالب‌های شعری برای انتقال مضامین عاشقانه، عارفانه، شکر و مدح استفاده شده است:

قصیده: یکی از انواع قالب‌های شعری است که برخی آن را مهم‌ترین نوع شعر در زبان فارسی می‌دانند. ساختار قصیده از حدود ۱۵ تا ۶۰-۵۰ بیت است. ابیات در قصیده یک مضمون دارند و مرتبط به هم هستند و معمولاً موضوع و مقصود آن مدح و شکر، تهنیت، شکایت، فخر و مسائل اخلاقی و اجتماعی و عرفانی است (احمدی پیام، ۱۳۹۴: ۲۹۱). قصیده بهاریه از ظهیر فاریابی با توصیف باغ و بستان بر فرش امپراتور محفوظ در موزه متروپولیتن نقش بسته است (خسروی بیژانم، ۱۳۹۸: ۱۳۲).

غزل: یکی دیگر از قالب‌های شعر فارسی غزل است که در

قرن ششم پاگرفت. غزل از نظر قافیه شبیه به قصیده است؛ اما از نظر محتوا و ابیات متفاوت است. اصطلاح غزل مخصوص اشعار غنایی و سروده‌های آهنگین عاشقانه بوده است. غزل دارای ۵ تا ۱۰ بیت است. اگرچه غزل، مناسب‌ترین قالب برای بیان مضامین عاشقانه و غنایی بوده؛ اما با گذر زمان توانسته است موضوعات تعلیم و تربیت و سیاست و حکمت و مدح و ستایش را نیز پذیرا باشد (پروا، ۱۳۸۷: ۸۳؛ احمدی پیام، ۱۳۹۴: ۲۹۲). در کتیبه‌های نستعلیق برخی از فرش‌های صفویه، از قالب غزل استفاده شده است. در فرش‌های شماره ۱، ۳ و ۶ موجود در موزه ویکتوریا آلبرت و فرش‌های شماره ۵ و ۷ موجود در موزه متروپولیتن، اشعار زیبایی در قالب غزل و به خط نستعلیق مشهود است.

رباعی: شعری با دو بیت یا چهار مصرع است که مصرع سوم قافیه ندارد و درون‌مایه آن بیشتر عارفانه، عاشقانه و فلسفی است. در ترنج فرش شماره ۳ موجود در موزه متروپولیتن، اشعاری به خط نستعلیق در قالب رباعی کار شده است.

بررسی و تحلیل کتیبه‌های خوش‌نویسی فرش‌های موجود در دو موزه

در بریتانیا موزه‌های متعددی همچون مجموعه هنر آقاخان، مجموعه خلیلی، موزه آشمولین آکسفورد و... وجود دارد که از میان آن‌ها، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، یکی از برجسته‌ترین و بزرگ‌ترین مجموعه‌های هنری بریتانیا و جهان است. این موزه در ۱۸۵۲ با مدیریت هنری کول^۲ آغاز به کار کرد و از آن زمان تاکنون مجموعه‌های مختلفی از هنر اروپا، آسیا، شمال آفریقا و آمریکا در ۱۴۵ گالری به نمایش درآمده است (معتقدی، ۱۳۹۲: ۲۸). موزه هنری متروپولیتن واقع در نیویورک، در کلکسیون خود از سال ۱۸۷۰ تا کنون بیش از دو میلیون کار هنری از تمام نقاط دنیا را گردآوری کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به هنرهای مربوط به اروپا، آسیا، آمریکا و هنرهای مربوط به مصر، یونان، رم و... اشاره کرد. همچنین هنرهای اسلامی، از جمله فرش‌های مربوط به ایران را در معرض دید قرار داده است (نمایشگاه دائمی موزه هنری متروپولیتن، ۱۳۸۵: ۳۵۷-۳۵۶).

نگارندگان سعی داشتند تمامی فرش‌های دارای کتیبه خوش‌نویسی دو موزه را بررسی کنند که حاصل آن ۱۰ قطعه فرش بوده است که تعداد ۵ قطعه فرش در موزه متروپولیتن و ۵ قطعه در موزه ویکتوریا آلبرت موجود است. فرش‌های منتخب، متعلق به دوره صفویه و قاجاریه و یک نمونه فرش معاصر است. وجود آیات، اشعار، نام بافنده و تاریخ بافت و... در کتیبه‌های خوش‌نویسی این فرش‌ها در مجاورت سایر

نقوش و تزیینات، از جمله نقوش ختایی و اسلیمی، فندیل‌ها در ساختارهایی چون لچک‌ترنج، افشان، افشان گلدار، درختی و... بر زیبایی این فرش‌ها افزوده است. در جدول ۱ اطلاعات کامل ۱۰ قطعه فرش موجود در دو موزه، به همراه تصاویر آمده است. لازم به ذکر است ترتیب فرش‌ها در جدول بر اساس قدمت تاریخی بوده است.

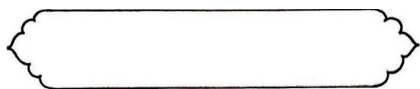
جدول ۱- اطلاعات فرش‌های منتخب در دو موزه (نگارندگان، ۱۴۰۰)

مشخصات	تصاویر فرش‌ها
 <p>(www.vam.ac.uk)</p>	<p>فرش شماره ۱</p> <p>تاریخ: م. ۱۵۳۹ تا ۱۵۴۰ قرن دهم دوره صفویه</p> <p>ابعاد: عرض: ۵۳۵,۵ سانتی‌متر طول: ۱۰۳۱ سانتی‌متر</p> <p>محل نگهداری: موزه ویکتوریا آلبرت</p>
	<p>فرش شماره ۲</p> <p>تاریخ: اوایل قرن دهم دوره صفویه</p> <p>ابعاد: L. 63 1/2 اینچ (۱۶۱,۳ سانتی‌متر) W. 43 1/2 اینچ (۱۰۹,۹ سانتی‌متر)</p> <p>محل نگهداری: موزه متروپولیتن</p>
	<p>فرش شماره ۳</p> <p>تاریخ: اواسط قرن دهم دوره صفویه</p> <p>ابعاد: L. 168 اینچ (۴۲۶,۷ سانتی‌متر) W. 79 اینچ (۲۰۰,۷ سانتی‌متر)</p> <p>محل نگهداری: موزه متروپولیتن</p>
	 <p>(www.metmuseum.org)</p>

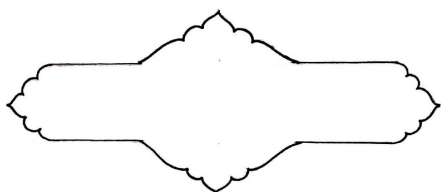
 <p>(www.metmuseum.org)</p>	<p>فرش شماره ۴</p> <p>تاریخ: نیمه دوم قرن دهم دوره صفویه</p> <p>ابعاد: L.299 اینچ (۷۵۹,۵ سانتی متر) W.133 ½ اینچ (۳۳۹,۱ سانتی متر)</p> <p>محل نگهداری: موزه متروپولیتن</p>
 <p>(www.vam.ac.uk)</p>	<p>فرش شماره ۵</p> <p>تاریخ: اواخر قرن دهم دوره صفویه</p> <p>ابعاد: عرض: ۱,۶۵ متر طول: ۲,۳۱ متر</p> <p>محل نگهداری: موزه ویکتوریا آلبرت</p>
 <p>(www.metmuseum.org)</p>	<p>فرش شماره ۶</p> <p>تاریخ: ۱۸۶۳م / ۱۲۸۰ هجری دوره قاجاریه</p> <p>ابعاد: L.120 اینچ (۳۰۴,۸ سانتی متر) W.93 ½ اینچ (۲۳۷,۵ سانتی متر)</p> <p>محل نگهداری: موزه متروپولیتن</p>
 <p>(www.vam.ac.uk)</p>	<p>فرش شماره ۷</p> <p>تاریخ: قرن نوزدهم میلادی دوره قاجاریه</p> <p>ابعاد: عرض لبه بالا: ۱۲۷۰ میلی متر عرض لبه پایین: ۱۳۰۰ میلی متر طول: ۱۵۸۰ میلی متر طول مناسب: ۱۶۰۰ میلی متر</p> <p>محل نگهداری: موزه ویکتوریا آلبرت</p>
 <p>(www.metmuseum.org)</p>	<p>فرش شماره ۸</p> <p>تاریخ: اواخر قرن نوزدهم میلادی اواخر دوره قاجاریه</p> <p>ابعاد: L.274 اینچ (۶۲۷/۴ سانتی متر) W. 226 اینچ (۵۷۴ سانتی متر)</p> <p>محل نگهداری: موزه متروپولیتن</p>

 <p>(www.vam.ac.uk)</p>	<p>فرش شماره ۹</p>
	<p>بدون تاریخ با توجه به کتیبه (عمل قنبر علی کرمانی) اواخر دوره قاجاریه</p>
	<p>ابعاد: عرض لبه بالا: ۳۰۲ میلی‌متر عرض لبه پایین: ۳۰۶ میلی‌متر طول مناسب مناسب: ۵۸۱۳ میلی‌متر طول چپ مناسب: ۵۸۵۶ میلی‌متر</p>
	<p>محل نگهداری: موزه ویکتوریا آلبرت</p>
 <p>(www.vam.ac.uk)</p>	<p>فرش شماره ۱۰</p>
	<p>تاریخ: ۱۹۷۰-۱۹۰۰ م. معاصر</p>
	<p>ابعاد: عرض لبه بالا: ۱۳۸۴ میلی‌متر عرض لبه پایین: ۱۴۴۵ میلی‌متر طول مناسب: ۲۳۷۰ میلی‌متر طول چپ مناسب: ۲۳۷۰ میلی‌متر</p>
	<p>محل نگهداری: موزه ویکتوریا آلبرت</p>

سرفصل کتاب‌ها را که در هر دو جانب طولی و عرضی، با دوایر و نیم‌دایره و ربع دایره تزیین یافته‌اند را کتیبه بازوبندی گویند (مایل هروی، ۱۳۵۳: ۱۳۴) (تصویر ۲). معمولاً در حاشیه فرش‌ها کتیبه‌های تکرارشونده‌ای بافته می‌شود و میان هر دو کتیبه بازوبندی یا قلمدانی، یک کتیبه کوچک‌تر به نام ترنجک قرار می‌گیرد (تصویر ۳). ترنجک در تزیین، جلد نسخ خطی نیز در مجاورت کتیبه‌های بازوبندی یا قلمدانی در دوره‌های تیموریه، صفویه و قاجاریه، کاربرد زیادی داشته است.



شکل ۱- کتیبه قلمدانی (نگارندگان، ۱۴۰۰، به نقل از شرح دکتر مایل هروی، ۱۳۵۳: ۱۳۴)

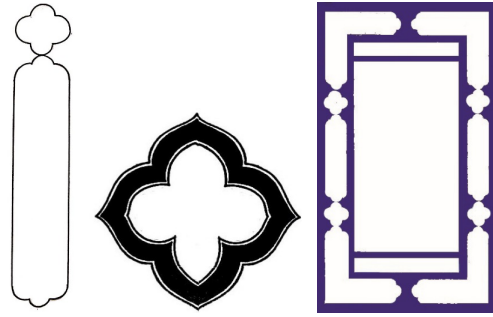


شکل ۲- کتیبه بازوبندی (نگارندگان، ۱۴۰۰، به نقل از شرح دکتر مایل هروی، ۱۳۵۳: ۱۳۴)

در ادامه بر اساس مضامین سه‌گانه فرش‌های دارای کتیبه‌های خوش‌نویسی، این موارد در ۱۰ فرش مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و جزئیات بافته‌شده خوش‌نویسی بر کتیبه‌های این فرش‌ها چون اشعار با قالب‌های متنوع، آیات، اسماء‌الله، نام بافنده و تاریخ و... ذکر می‌شود.

پیش از آغاز توصیف و تحلیل کتیبه‌های خوش‌نویسی فرش‌های منتخب دو موزه، لازم است واژگانی چون کتیبه بازوبندی، کتیبه قلمدانی و ترنجک معرفی شوند؛ چراکه در ادامه، این اشکال کتیبه‌ای در توصیفات، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در تعریف کتیبه باید گفت، کتیبه به طور کلی شکلی مستطیل‌گونه است که گاه در دو سوی آن، نیم‌دایره‌ها و ربع دوایر کوچک ترسیم می‌شود و در هنرهای بسیاری چون کتاب‌آرایی، تجلید، فرش و تزیینات معماری کاربرد دارد. این‌گونه کتیبه‌ها گاه مستطیلی هستند که اضلاع طولی آن ساده است؛ اما در دو جانب عرضی، به صورت مدور و نیم‌دایره‌های ظریف ترسیم شده است که به آن کتیبه قلمدانی گفته می‌شود (تصویر ۱). کتیبه‌های ظریف آغاز



شکل ۳- ترنجک (نگارندگان، ۱۴۰۰، به نقل از دکتر خزایی، ۱۳۸۱: ۱۰۱ و ۲۲۳)

فرش شماره ۱

فرش شیخ صفی‌الدین اردبیلی از نظر طرح و بافت، یکی از نفیس‌ترین و مشهورترین فرش‌های جهان است. از نظر تاریخی نیز سند و مدرک مهمی محسوب می‌شود؛ چراکه دارای تاریخ و امضاست (ادواردز، ۱۳۶۸: ۱۱). کتیبه خوش‌نویسی این فرش یک بیت از غزلیات معروف حافظ شیرازی است به همراه رقم بافنده و تاریخ بافت:

«جز آستان توام در جهان پناهی نیست

سر مرا بجز این در حواله‌گاهی نیست»

(عمل بنده درگاه مقصود کاشانی، سنه ۹۴۶)

مضمون کتیبه خوش‌نویسی آن، ادبی و تاریخ‌نگاری است و شکل کتیبه مستطیل است. از منظر محتوا و مفهوم، هرچند این شعر در وصف شاه شجاع سروده شده است؛ اما خطاب به خداوند می‌گوید من به جز درگاه شما هیچ پناهگاهی ندارم و خداوند پناهگاه تمامی مخلوقات است و در مصرع دوم اشاره می‌کند که سر من به جز آستانه شما هیچ محل بازگشتی ندارد و هیچ آغوشی بهتر از خداوند وجود ندارد.

فرش شماره ۲

این فرش در فاصله‌ای کوتاه از فرش اردبیل بافته شده و نقوش ختایی، اسلیمی ماری و دهان‌اژدری در متن فرش و حاشیه آن و در کنار کتیبه‌ها به کار رفته است. این فرش دارای کتیبه‌های خوش‌نویسی با مضامین دینی است.

شرح قسمت‌های مختلف آن به این صورت است: لچکی‌ها یا طاق‌نماهای محراب با اسامی الهی بر زمینه‌های الوان و متنوع

متبرک شده‌اند. زمینه محراب با ترکیبی از اسلیمی‌های ماری و گل‌وبرگ‌های ختایی تزیین شده و در کتیبه بالایی فرش، ذکر (الله اکبر کبیراً) به صورت معکوس نقش بسته است (بصام، ۱۳۸۳: ۴۸). در حاشیه بزرگ قسمت بالایی فرش با خط ثلث، آیه ۲۵۶ سوره بقره (آیه‌الکرسی) در سه کتیبه پیاده شده است. در کتیبه اول سمت راست: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ»؛ در کتیبه دوم قسمت بالا: «وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَلَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ» و در کتیبه سوم سمت چپ: «عَلِمَهُ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ لَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» نوشته شده است. در چهار گوشه نیمه بالایی فرش، در چهار دایره که درون آن مربعی قرار دارد، درون مربع‌ها جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَىٰ وَ لِي اللَّهُ» به خط کوفی بنایی ذکر شده است. در متن فرش، در نیمه بالا، در بیست و چهار قسمت متقارن، اسامی متعددی از خداوند با رنگ‌های متنوع نوشته شده است: الرَّؤْفُ الْغَفُورُ، الْقَوِيُّ الْمُتَمِّينُ، حَى الْقَيُّومُ، الْبَاقَى الْوَارِثُ، الْآخِذُ الْآكَمَلُ، الْكَرِيمُ الْمَجِيدُ، الْحَقُّ الْوَكِيلُ وَ الرَّشِيدُ الصَّبُورُ. در حاشیه باریک بیرونی این فرش، آیات ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره بقره آمده است. همچنین در حاشیه باریک سبزرنگ اطراف متن، با خط نسخ سفید، آیات ۲۰۳، ۲۰۴ و ۲۰۵ سوره اعراف آمده است. دور تا دور محراب فرش نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَىٰ وَ لِي اللَّهُ» و صفات خداوند، شامل العليم، العظیم، الغفور، الشکور و الحفظ بر این فرش نقش بسته‌اند (خشکنابی، ۱۳۷۸: ۱۹-۱۸). در حاشیه دوم فرش، دو کتیبه به خط کوفی شامل آیه ۸۷ سوره انبیا و قسمتی از آیه ۸۸ سوره هود آمده است. همچنین در نوار سمت راست دور محراب، آیات ۲۳ و ۲۴ سوره حشر و دیگر اسماء الهی که به آن اشاره شد، بافته شده است (آژند و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۵). مفاهیم کتیبه‌های خوش‌نویسی این فرش که به اسماء و صفات الهی در کنار آیات مزین شده است، به یگانگی خداوند و مبرابودن خداوند از هر عیب و نقصی اشاره دارد. هر آنچه در دنیا وجود دارد، همه از آن خالق هستی است و هیچ همانندی برای خداوند وجود ندارد. همچنین در آیاتی دیگر، خداوند بندگان خود را به دین واحد؛ یعنی توحید و جهاد در راه خدا دعوت می‌کند.

فرش شماره ۳

این فرش که متعلق به جرج بیکر^۲ بوده است بعد از فرش شکارگاه وین، یکی از ریزبافت‌ترین فرش‌های دوره صفویه در موزه متروپولیتن است. نقوش این فرش، ترنج با گل و جانور و کتیبه‌های دارای نوشتار در حاشیه است. اشعاری که در چهارده قاب و با قالب غزل در حاشیه پهن این فرش با نخ سیم‌تاب، بر زمینه سیاه بافته شده حالتی روحانی به این فرش داده است (ادواردز، ۱۳۶۸: ۲۱). فرم کتیبه به‌کاررفته در حاشیه این فرش از نوع بازبندی است و نوشته‌های درون این کتیبه به خط نستعلیق بافته شده‌اند. در اشعار به‌کاررفته در حاشیه این فرش، از عناصر طبیعت همچون آب، اشجار، جویبار و گلستان و... استفاده شده است و مفهوم گذر عمر و غنیمت‌شمردن ایام جوانی را دارد و توصیفی از بهار ارائه کرده است. در بیت پنجم به خضر بهار و آب زندگی اشاره شده؛ خضر بهار کنایه از عمر جاودان است و حضرت خضر در جستجوی آب حیات بوده و با نوشیدن آن عمر جاودان یافته است. در بیت سوم بیان شده است که مشکین خطی به گرد رخسار آمده و باعث شده که باغ گسترده آن خوش صورت و سبز شود که اشاره به ایام جوانی دارد (به‌آذین، ۱۳۴۴: ۳۳).

«تا شد به گرد روی تو خط غبار، سبز

از سیل اشک ماست بساط بهار، سبز
منشور سرخ‌رویی و بخت سیاه ماست

خطی که گشت بر رخ گلگون یار، سبز
مشکین خطی بگرد عذارت برآمده

گشته است باغ عارضت ای گل‌عذار، سبز
ای سرو تا به سوی گلستان روان شدی

پوشیده در هوای تو سرو و چنار، سبز
خضر بهار در طلب آب زندگی

پوشیده است باز درین روزگار، سبز
گویی زمین بر ابر فراق آب خورده است

زان می‌دمد گیاه به هر مرغزار، سبز
صوفی بسوز خرقة ازرق کنون که هست

می‌ارغوانی و طرف جویبار، سبز»
همچنین گرداگرد ترنج مرکزی، رباعی به خط نستعلیق و رنگ

مشکی بافته شده است. مضمون کتیبه‌های خوش‌نویسی این فرش، ادبی با قالب شعری غزل و رباعی است و مفاهیم کتیبه نهایی رباعی به مدح و ستایش، غم عشق و مزین کردن حریم عشق با فرشی با گل‌های زیبا اشاره دارد و درنهایت این تعبیر زیبا که نقش و رنگ و گل‌های این فرش برای دیدار توسل و فرش چون عاشقی توصیف شده که امید بوسیدن پای را معشوق دارد:

«ای در دل لاله داغ از دست غمت

وی نرگس و گل فرش حریم حرمت
از حسرت پابوس تو ای سرو روان
افتاده گل سبز بزیر قدمت»

فرش شماره ۴

این فرش جزو معدود فرش‌هایی است که جفت است و به فرش امپراطور معروف است. در قسمت حاشیه، نقوش مارپیچ با اسلیمی‌های درهم و به‌هم‌پیچیده قرار دارد. در حاشیه درونی و باریک این فرش، بیست و هشت قاب مساوی طراحی شده‌اند که در هر قاب یک مصرع شعر قرار می‌گیرد. کتیبه‌های خوش‌نویسی این فرش از نوع ادبی و شعر در قالب قصیده است.

اشعار به‌کاررفته در این فرش به خط نستعلیق از ظهیرالدین فاریابی است. در قسمت‌هایی از فرش به دلیل آسیب، متن شعر قابل خواندن نیست (ادواردز، ۱۳۶۸: ۱۷). کتیبه‌های خوش‌نویسی از نوع قلمدانی یا بندی است. مفهوم کلی این شعر، اشاره به فصل بهار و مدح و ستایش خداوند است. نوید بهار و طراوت درختان و چمنزار و گلزار از جمله مفاهیم شعر است. این نویدبخشی بهار با رؤیت غنچه‌های گل پدیدار می‌شود؛ پس غنچه چون مروارید ارزشمند است و درنهایت همه این موارد جهت شکرگزاری و ستایش خداوندی است که خالق این زیبایی‌هاست:

«بیا که عهد چمن تازه کرد باد بهار

که بازگشت چمن را طراوت رخ یار
چمن هنوز لب از شیر ناشسته

چو شاهدان خط سبزش دمید گرد عذار



محذرات چمن جلوه می‌کنند امروز
 عروسیست بنات نباتات را پندار
 و گرنه بهر چه گردون شکوفه گل را
 سفیده برزده، گلگونه کرده بر رخسار
 همه جواهر لعلست غنچه را در تنگ
 همه بضاعت مشک است لاله را دربار
 ولی ز تنگ‌دلی گل به خود فرو شده بود
 نمی‌گشود دهان و نمی‌نمود عذار
 فراز تخت زمرد نشست از شب‌نم

به تاج لعل در آویخت لؤلؤ شهوار
 (دو بیت آسیب دیده و ناخواناست)
 بیاض دیده نرگس نگر تعالی الله
 که هست خیره (از او) دیده اولوالابصار
 چمن ز غنچه نماید هزار خرگه سبز
 سفیده دم که زند ابر خیمه بر گلزار
 شکوفه هر درمی را که داشت داد به باد
 سحاب هر گه‌ری را که یافت کرد نثار
 مذاکران چمن چون مقدسان فلک
 فراز سدره اشجار بین که در اسحار
 دعای شاه جهان می‌کنند و می‌گویند
 که باد تا ابد از عز و جاه برخوردار»

فرش شماره ۵

این فرش نمونه کمپایی از فرش‌های کتیبه‌دار با مضامین ادبی پندآمیز و عرفانی است. نقشه ترنج‌دار افشان این فرش، در قاب‌های پیوسته در حاشیه پهن و اصلی، دربرگیرنده غزلی از حافظ به خط نستعلیق است (metmuseum.com). نوع کتیبه به کاررفته در این فرش از نوع بازوبندی است. مفاهیم شعر به وصف یار و غنیمت‌شمردن ایام اشاره دارد؛ به‌ویژه در دو بیت پایانی که پند می‌دهد، در زمان حال که بازار تو پررونق است فرصت را غنیمت شمار و اخلاق و رفتار نیک را همانند گنجی در وجودت حفظ کن که این فرصت پایدار نخواهد بود. «می‌خواه و گل‌افشان کن از دهر چه می‌جویی

این گفت سحرگه گل، بلبل تو چه می‌گویی

مسند به گلستان بر تا شاهد و ساقی را
 لب‌گیری و رخ بوسی می‌نوشی و گل بویی
 شمشاد خرامان کن و آهنگ گلستان کن
 تا سرو بیاموزد از قد تو دلجویی
 امروز که بازاریت پر جوش خریدار است
 درباب و بنه گنجی از مایه نیکویی
 هر مرغ به دستانی در گلشن شاه آیند
 بلبل به غزل خوانی حافظ به دعاگویی»

فرش شماره ۶

در این فرش افشان گلدار با ترنج مرکزی قرمز رنگ، گل‌های شاه‌عباسی به زیبایی افشان شده‌اند. در قسمت بالای فرش و حاشیه پهن آن، دو کتیبه مستطیل‌شکل وجود دارد که مضمون دو کتیبه خوش‌نویسی، ادبی است با غزلی از حافظ. با توجه به الگوی فرش، دو کتیبه خوش‌نویسی، معکوس هم بافته شده‌اند. شکل دو کتیبه، قلمدانی است. مصراع «در پس آینه طوطی‌صفتم داشته‌اند»، از لحاظ معنایی، همجواری جالبی با انعکاس این بیت در دو کتیبه خوش‌نویسی دارد. در مفهوم شعر باید گفت در پس هر تعلیم و آموزشی، به اولین تعلیم‌دهنده و آموزگارم که علم به قلم را آموخت، اقتدا می‌کنم (خرم‌شاهی، ۱۳۸۵: ۱۰۷۵):

«در پس آینه طوطی‌صفتم داشته‌اند

آن چه استاد ازل گفت بگو می‌گویم»
 در میان دو کتیبه، کتیبه‌ای موسوم به ترنجک با مضمون تاریخ‌نگاری و نوشته «۱۴ رجب المرجب فی ۱۲۸۰» به کار رفته و گویای این است که این فرش در ۱۴ رجب المرجب سال ۱۲۸۰ بافته شده است. همچنین در قسمت مرکزی فرش درون ترنج، کتیبه‌ای کوچک با مضمون تاریخی (کارخانه صباغ) به کار رفته است که به تولیدکننده این فرش اشاره دارد.

فرش شماره ۷

در این فرش که به درخت واق معروف است، طرح فرش، درختی است که بر شاخه‌های آن سر حیواناتی از قبیل گاو و

گوزن و... نقش بسته است. سطح میانی فرش متقارن است. همچنین در حاشیه اصلی و پهن این فرش در شانزده کتیبه، ابیاتی در قالب غزلی از حافظ بافته شده است. مضمون کتیبه‌ها ادبی و در وصف یار سخن رفته است.

«دل شوق لب مدام دارد / دلبر ز لب ت چه کام دارد
جان شربت مهر و باده شوق / در ساغر دل مدام دارد
شوریده زلف یار دایم / در دام بلا مقام دارد
آخر نرسد که باز پرسم / کان دلبر ما چه نام دارد
با یار کجا نشیند آن کو / اندیشه خاص و عام دارد
خرم دل آن کسی که صحبت / بایار علی‌الردوم دارد
تا صید کند دلی به شوخی / بر گل ز بنفشه دام دارد
با ما چو دمی خوشست مجلس / اسباب طرب مدام دارد»

فرش شماره ۸

این فرش که تاریخ آن به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌رسد، اهدایی موریس بلین^۴ به موزه متروپولیتن است. طرح فرش، ترنجی است با ستون‌های عمودی متصل به دو جانب متن در محل اتصال به حاشیه. درون کتیبه‌های مستطیل ستونی، مضامین تاریخ‌نگاری با خوش‌نویسی ترکی عثمانی قرار گرفته که حاوی متن «خالص بویا ایله اولنمش صافی ایپکدن معمول بویوک و قیمتدار خالینک (خالینن) ارباب صناعات صورت تفتیش و اعمال‌تندن اصلا قصور بولامامشدر» است که ترجمه آن بدین شرح است: «با رنگ‌های خالص و ناب رنگ شده، از ابریشم خالص و طبیعی استفاده شده و این قالی بزرگ و باارزش مورد تأیید اهل فن بوده است و هیچ‌گونه نقصی در کار آن پیدا نکرده‌اند (ندیده‌اند)». همچنین در قسمت سرستون‌ها و پایین ستون‌ها نوشته‌هایی قرار دارد که مضمون آن «تقدیم شایان» است که نشان می‌دهد، فرش سفارشی بوده است. در بالای کتیبه ستونی فرش، در سرستون و پایه‌ستون هر دو، عبارت مشترک «نه نورک» بافته شده است که در ارتباط با معنای آن، مطالبی یافت نشد.

فرش شماره ۹

این فرش متعلق به کرمان، در سال ۱۸۸۰-۱۸۷۹ م. از موزه هند به موزه ویکتوریا و آلبرت منتقل شده است. طرح این فرش واگیره گلدانی است. در قسمت بالا و حاشیه پهن فرش، کتیبه‌ای با مضمون تاریخ‌نگاری قرار گرفته که حاوی متن «عمل استاد قنبرعلی کرمانی استاد ولد آقائی غالی‌باف» است. واژه «قالی‌باف» در این کتیبه به صورت «غالی‌باف» آمده است که دلیل آن مشخص نیست.

فرش شماره ۱۰

طرح این فرش از نوع محرابی درختی است که کتیبه خوش‌نویسی آن مضمون تاریخ‌نگاری دارد و در بالاترین بخش محراب، چسبیده به محل اتصال متن به حاشیه قرار گرفته است. درخت سرسبز و پر از گل و پرنده است و دو گلدان در دو طرف درخت دیده می‌شود. طرح یا بافت فرش، ساختاری نیمه‌شکسته دارد. شکل کتیبه خوش‌نویسی با توجه به ویژگی شکستگی، قلمدانی است که درون آن کلمه «ابراهیم» به زبان عبری نوشته شده است که شاید این کلمه بیان‌کننده این باشد که نام بافنده و یا سفارش‌دهنده این فرش ابراهیم بوده است.

جمع‌بندی و ارائه نتایج در قالب جداول تحلیلی

در جدول ۲، با توجه به مطالب ذکر شده، مضامین و مفاهیم، شکل کتیبه‌های خوش‌نویسی، محل قرارگیری آن‌ها در فرش‌ها و نوع خط به‌کاررفته در کتیبه‌های خوش‌نویسی ذکر شده است. طبق این جدول کتیبه‌های خوش‌نویسی، بیشتر مضامین ادبی دارند که با اشعاری از حافظ در قالب غزل بر فرش نقش بسته‌اند و پس از آن کتیبه‌های خوش‌نویسی تاریخ‌نگار پرکاربردند که در یک نمونه فرش صفویه و یک نمونه فرش قاجاریه موزه ویکتوریا آلبرت، هر دو نوع کتیبه خوش‌نویسی با مضمون ادبی و تاریخ‌نگار بر فرش بافته شده است.

جدول ۲- مضامین و مفاهیم کتیبه‌های خوش‌نویسی، شکل و محل قرارگیری و نوع خط (نگارندگان، ۱۴۰۰)

شماره فرش	مضامین	مفاهیم	نوع کتیبه	محل قرارگیری کتیبه خوش‌نویسی در فرش	نوع خط
فرش ۱	تاریخی	تاریخ و نام بافنده فرش	مستطیل	در متن فرش و میان دو لچک بالایی و کتیبه متصل به حاشیه داخلی	نستعلیق
	ادبی	شعر با قالب غزلی از حافظ			
فرش ۲	دینی	عطای خیر و برکت از جانب خدا بر بندگان، فرمانروایی خداوند، رحمت خداوند و صفات خالق	بازوبندی قلمدانی	حاشیه بزرگ قسمت بالایی فرش، چهارگوشه قسمت بالایی، متن قالیچه (نیمه بالایی)، حاشیه باریک بیرونی، حاشیه باریک اطراف متن، دور تا دور محراب فرش	کوفی بنایی ثلث نسخ
فرش ۳	ادبی	هفت بیت شعر در قالب غزل و دو بیت شعر در قالب رباعی ۱۴ کتیبه	بازوبندی	حاشیه پهن فرش و اطراف ترنج میانی	نستعلیق
فرش ۴	ادبی	چهارده بیت شعر از ظهیرالدین فارابی در قالب قصیده و ۲۸ کتیبه	قلمدانی	حاشیه باریک درونی و در بیست و هشت قاب	نستعلیق
فرش ۵	ادبی	پنج بیت شعر با قالب غزل از حافظ	بازوبندی	حاشیه اصلی و پهن فرش و در ده قاب	نستعلیق
فرش ۶	تاریخی	تاریخ و محل بافت	ترنجک قلمدانی	در بالای فرش و حاشیه پهن آن و در دو قاب مستطیل شکل، یکی به صورت کامل و دیگری به صورت معکوس، یک قاب هم در وسط دو قاب مستطیلی و کتیبه بعدی در مرکز فرش	نستعلیق
	ادبی	یک بیت شعر با قالب غزل از حافظ			
فرش ۷	ادبی	هشت بیت شعر با قالب غزل از حافظ ۱۶ کتیبه	قلمدانی	در حاشیه پهن فرش	نستعلیق
فرش ۸	تاریخی	مضامینی به زبان ترکی عثمانی	مستطیل	در حاشیه باریک طولی فرش و در قسمتی که حالتی شبیه به ستون دارد. در قسمت‌های سرستون و پایه ستون‌ها.	خطی بین ثلث و نسخ
فرش ۹	تاریخی	نام بافنده فرش	قلمدانی	در حاشیه پهن و قسمت بالای فرش	نسخ
فرش ۱۰	تاریخی	ابراهیم به عبری	قلمدانی	در سطح فرش و قسمت بالا، متصل به حاشیه باریک فرش	عبری

طبق جدول ۳، پرکاربردترین خط در کتیبه‌های خوش‌نویسی، نستعلیق است و پرکاربردترین شکل کتیبه، کتیبه‌های قلمدانی هستند. در یک نمونه فرش دوره صفویه موزه متروپولیتن،

کتیبه مربع دیده می‌شود؛ چراکه خط بنایی بیشتر در شکل مربع طراحی می‌شود. در هیچ نمونه از فرش‌های دوره قاجار دو موزه، کتیبه‌های خوش‌نویسی بازوبندی دیده نشده است



و در بین تمامی نمونه‌ها، یک فرش قاجاریه (فرش شماره ۶)، کتیبه خوش‌نویسی به شکل ترنجک دارد. این شکل معمولاً متصل یا با فاصله کمی از کتیبه بازوبندی در حواشی تکرار می‌شود و از آن کوچک‌تر است. در تجلید دوره قاجاریه نیز کتیبه‌های بازوبندی یک‌درمیان به ترنجک مزین بودند و

حاشیه تجلید را پر می‌کردند (جدول ۳). در جدول ۴، آنالیز فرمی کتیبه‌های خوش‌نویسی بر مبنای محل قرارگیری در فرش مشخص شده است و کتیبه‌هایی که دارای خوش‌نویسی هستند، با رنگ مشخص شده‌اند.

جدول ۳- فرش‌های دو موزه بر اساس کتیبه‌های خوش‌نویسی و ویژگی‌های آن (نگارندگان، ۱۴۰۰)

فرش ۱۰ معاصر V&A	فرش ۹ قاجاریه V&A	فرش ۸ قاجاریه Met	فرش ۷ قاجاریه V&A	فرش ۶ قاجاریه Met	فرش ۵ صفویه V&A	فرش ۴ صفویه Met	فرش ۳ صفویه Met	فرش ۲ صفویه Met	فرش ۱ صفویه V&A		
*	*	*		*					*	تاریخ‌نگاری	مضامین
			*	*	*	*	*		*	ادبی	
								*		دینی	
			*	*	*	*	*		*	شعر	نوع کتیبه
								*		آیه قرآن	
		*		*					*	تاریخ و نام بافنده	
		*							*	مستطیل	فرم کتیبه
								*		مربع	
					*		*	*		بازوبندی	
*	*		*			*		*		قلمدانی	محل قرارگیری
				*						ترنجک	
	*		*	*	*		*	*		حاشیه پهن	
		*					*	*		حاشیه باریک	محل قرارگیری
*		*						*	*	متن فرش	
							*			مرکز فرش	
	*	*						*		نسخ	نوع خط
		*						*		ثلث	
			*	*	*	*	*		*	نستعلیق	
								*		کوفی	
								*		بنایی	
*										زبان عبری	

جدول ۴- آنالیز شکل کتیبه‌های خوش‌نویسی و چگونگی تکرار آن‌ها در فرش به همراه جایگاه قرارگیری آن‌ها در متن و حواشی (نگارندگان، ۱۴۰۰)

فرش شماره ۵	فرش شماره ۴	فرش شماره ۳	فرش شماره ۲	فرش شماره ۱
فرش شماره ۱۰	فرش شماره ۹	فرش شماره ۸	فرش شماره ۷	فرش شماره ۶

نتیجه‌گیری

خوش‌نویسی در اسلام دارای تقدس و اهمیت فراوانی است و جزء هنرهای گوه‌رین اسلامی به حساب می‌آید. علاوه بر کارکرد مضمونی و مفهومی خوش‌نویسی در فرش، استفاده از کتیبه‌های متنوع و ساخت ترکیب‌های متنوع از همجواری چند کتیبه در حاشیه فرش، نشان از اهمیت طراحی و ایده‌پردازی طراح فرش جهت نمایش بهتر نوشتار فرش بوده است.

خوش‌نویسی به‌کاررفته در فرش‌های مدنظر در این مقاله، دارای مضامین و مفاهیمی مختلف است که در سه گروه ۱. تاریخ‌نگاری (تاریخ بافت، نام بافنده یا سفارش‌دهنده، توضیحاتی پیرامون طرح، نقش، رنگ و کیفیت فرش، عمل بافنده در قالب جمله‌ای)، ۲. ادبی (اشعار شاعران: بیشتر حافظ در قالب غزل، اشعار ظهیرالدین فاریابی در یک فرش،

قالب‌های دیگر چون قصیده و رباعی) و ۳. دینی (آیات کتاب مقدس، روایات، احادیث، اسماء‌الله و صفات الهی) طبقه‌بندی شدند. از منظر مفاهیم ذکرشده در کتیبه‌های خوش‌نویسی، ۱۰ فرش موزه متروپولیتن، با توجه به فضای سراسر آدین شده از گل‌ها، بوته‌ها، درخت و گلدان‌ها و پرندگان، شاعران به وصف بهار و یار و امید وصال پرداخته‌اند. همنشینی زیبای شعر در فرش و فرش در شعر، در فرش شماره ۳ دوره صفویه موزه متروپولیتن، حاکی از دقت نظر و قدرت خیال هنرمند فرش و شاعر است و خیال‌انگیزی باعث شده است تا شاعر، خود را چون فرش بیندارد که در مقام عاشقی، امید دارد دوران هجران به سرآید و اولین قدم معشوق بر فرش سراسر نقش و رنگ دل عاشق باشد. از میان فرش‌های دارای کتیبه خوش‌نویسی موزه متروپولیتن

و ویکتوریا آلبرت، تنها یک فرش دارای مضمون دینی است؛ چراکه تنها فرش محرابی با کاربرد سجاده‌ای دو موزه با خوش‌نویسی است؛ بنابراین این نتیجه حاصل می‌شود که جایگاه کتیبه‌های خوش‌نویسی با مضامین دینی در فرش‌های سجاده‌ای است و آیات و مفاهیمی که در این فرش‌ها استفاده می‌شود، در هماهنگی کامل با کاربرد فرش؛ یعنی اتصال به نیروی الهی، دعا و گفتگو با اوست. در مفاهیم کتیبه‌های این فرش، هر چه جز اوست به کناری می‌رود و حدیث رحمت و مغفرت الهی بر بندگان و توحید و یکتاپرستی بنده به سوی خدا جریان می‌گیرد و البته تنها نمونه فرشی که متنوع‌ترین کتیبه‌های خوش‌نویسی از منظر شکل را داراست، این فرش است (فرش شماره ۲).

برای بافت مضمون تاریخ‌نگاری، بیشتر از یک کتیبه بازوبندی یا قلمدانی و در یک نمونه ترنجک استفاده شده است؛ اما در مورد اشعار به جهت وزن و ریتم شعر و هماهنگی با تعداد ابیات، از کتیبه‌های بازوبندی تکرارشونده در حاشیه استفاده شده است (فرش‌های ۳، ۴، ۵ و ۷).

پی‌نوشت

۱. علق: ۳ و ۴، قلم: ۱

2. Henry cole
3. George F. Baker
4. Mrs. Mauric E. Blin

منابع

۱. احمدی پیام، رضوان. (شهریور ۱۳۹۴). «انعکاس ادبیات منظوم فارسی در فرش‌های موزه آستان قدس رضوی». در مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی. انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی، صص ۲۸۳-۲۹۵.
۲. ادواردز، سیسیل. (۱۳۶۸). *قالی ایران*. مترجم: مهین دخت صبا، چاپ دوم، تهران: فرهنگسرا.
۳. اسپنانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). «فرش صفوی از منظر نوآوری در طرح و نقش». *گلجام*، شماره ۹، صص ۳۴-۹.
۴. استون، پیتراف. (۱۳۹۱). *فرهنگنامه فرش شرق*. مترجم: بیژن اربابی، تهران: جمال هنر.
۵. افروغ، محمد؛ براتی، بهاره. (۱۳۹۲). «عناصر و نمادهای هویت اسلامی در قالی ایران». *مطالعات ملی*، شماره ۵۳، صص ۱۴۲-۱۲۱.
۶. افروغ، محمد؛ صفری، رضا. (۱۳۹۱). «مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی (قالی بافی و نگارگری)». *تاریخ پژوهی*، شماره ۵۰، صص ۱۸۸-۱۶۱.
۷. آذریاد، حسن، حشمتی رضوی، فضل‌الله. (۱۳۷۲). *فرشنامه ایران*. چاپ اول. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۸. آژند، یعقوب؛ نامور مطلق، بهمن؛ عرفان‌منش، ساحل. (۱۳۹۹). «تحلیل معنا در قالیچه محرابی موجود در موزه متروپولیتن با روش آیکونولوژی». *کیمیای هنر*، شماره ۳۷، صص ۸۵-۷۱.
۹. بصام، سیدجلال‌الدین؛ فرجو، محمد حسین؛ ذریه زهرا، سید امیر احمد (۱۳۸۳). *رؤیای بهشت: هنر قالی بافی ایران*. تهران: سازمان اتکا. جلد اول.
۱۰. به‌آذین، م. الف. (۱۳۴۴). *قالی ایران*. تهران: فرانکلین.
۱۱. پروا، محمد. (۱۳۸۷). *فرهنگ‌نامه هنر ایران*. شیراز: نوید شیراز.
۱۲. تنهایی، انیس؛ خزایی، رضوان. (۱۳۸۸). «انعکاس مفاهیم نماز در قالیچه‌های محرابی صفویه و قاجاریه». *مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۱۱، صص ۲۴-۷.
۱۳. حاجی زاده، محمدامین؛ خواجه احمد عطاری، علی رضا؛ عظیمی نژاد، مریم. (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی طرح و نقش در فرش‌های محرابی دوره صفویه و قاجار». *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، شماره ۲۵، صص ۷۲-۵۱.

۱۴. حسامی، وحیده؛ حاجی زاده، محمدمامین. (۱۳۹۹). «بررسی انواع حاشیه در قالی های دوره صفوی». رجشمار، شماره ۱، صص ۹۶-۸۱.
۱۵. حشمتی رضوی، فضل الله. (۱۳۸۰). فرش ایران: از ایران چه می دانم؟ تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۶. حمیدی، احسان؛ فرهمند بروجنی، حمید؛ ابراهیمی علویچه، مهدی. (۱۳۹۸). «نقد زیباشناختی کتیبه های قالی ایران با تکیه بر اصول نویسی». گلجام (نشریه انجمن علمی فرش ایران)، شماره ۳۵، صص ۲۵-۴۴.
۱۷. خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۸۵). حافظ نامه. جلد دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۸. خزایی، محمد. (۱۳۸۱). هزار نقش. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
۱۹. خسروی بیژان، فرهاد. (۱۳۹۸). «مطالعه مضامین کتیبه های نستعلیق در قالی دوره صفوی ایران». تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال دهم، شماره ۳۴، صص ۱۱۷-۱۴۰.
۲۰. خشکنایی، سیدرضا. (۱۳۷۸). ادب و عرفان در قالی ایران. تهران: سروش.
۲۱. شایسته فر، مهناز؛ (۱۳۸۴). «کاربرد مفاهیم مذهبی در خطنگاره های قالی های صفوی». مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳، صص ۲۵-۳۸.
۲۲. شایسته فر، مهناز؛ خان علیپور، مریم. (۱۳۸۱). «بررسی اجمالی خوش نویسی بر روی قالی». کتاب ماه هنر، شماره ۵۳ و ۵۴، صص ۷۲-۸۱.
۲۳. شایسته فر، مهناز؛ شکرپور، شهریار. (۱۳۸۸). «مقایسه طرح و نقش زیلوبافی میبد و مسجد جامع یزد». مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۱، صص ۲۵-۴۲.
۲۴. شریعت، زهرا. (۱۳۸۷). «خطنگاره های قرآنی در قالی بافی و فلزکاری دوره صفویه». کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۰، صص ۴۴-۵۵.
۲۵. شعبانی مقدم، عادل؛ احمدی، نزهت. (۱۳۹۶). «سفیر هنر ایرانی در موزه های جهان (فرش تبریز عصر صفوی)». تاریخ روابط خارجی، شماره ۷۱، صص ۸۶-۶۱.
۲۶. شیمیل، آنه ماری. (۱۳۸۱). خوش نویسی اسلامی. مترجم: مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
۲۷. صباغ پور آرانی، طیبه. (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی خطنگاری در قالی های دوران صفوی و قاجار». نامه هنرهای تجسمی و کاربردی (دانشگاه هنر)، شماره ۷، صص ۱۰۱-۱۲۹.
۲۸. صور اسرافیل، شیرین. (۱۳۶۷). فرش ایران: سیری در مراحل تکمیلی فرش: طراحی، رنگرزی، رفو. چاپ دوم. تهران: فرهنگسرا.
۲۹. کشاورز، حسام. (۱۳۹۲). «مطالعه ادبیات منظوم در فرش های کتیبه دار دوره صفوی». کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۸، صص ۹۰-۸۰.
۳۰. مایل هروی، غلامرضا. (۱۳۵۳). لغات و اصطلاحات فن کتاب سازی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۱. محمدی، شبنم؛ وندشعاری، علی. (۱۳۹۲). «بررسی کارکرد نقش و نوشتار در قالی های جانمازی (سجاده ای)، مطالعه موردی کتیبه های شش قالی سجاده ای». پژوهش هنر، شماره ۲، صص ۱۲۸-۱۲۳.
۳۲. معتقدی، کیانوش. (۱۳۹۲). «گزارش: هنر ایران در مجموعه های جهانی؛ بخش یازدهم: موزه ویکتوریا و آلبرت لندن». تندیس، شماره ۲۴۷، صص ۲۸-۲۷.
۳۳. میرزایی، عبدالله؛ شجاری، مرتضی؛ پیربابایی، محمدتقی. (۱۳۹۳). «تجلی اسماء الحسنی در قالی محرابی عصر صفوی». گلجام، شماره ۲۵، صص ۸۴-۶۳.
۳۴. میرزایی، کریم. (۱۳۸۸). «کتیبه قالی به مثابه یک متن». گلجام (نشریه انجمن علمی فرش ایران)، شماره ۱۳، صص ۱۴۰-۱۲۳.
۳۵. نمایشگاه دائمی موزه هنری متروپولیتن (۱۳۸۵). هنر، شماره ۶۸، صص ۳۵۷-۳۵۶.
۳۶. یاری زاده، بهنوش. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط ساختار و مضمون کتیبه ها با طرح و نقش و کاربرد قالی های دوره صفوی و قاجار. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه هنر. دانشکده هنرهای کاربردی. دانشگاه هنر تهران.